



تیرنگ | Tirang

مجری تبلیغات محیطی و مجازی

گرگان: خیابان امام خمینی (ره)

آفتاب ۲۴، نبش دارویی دوم

☎ ۰۹۱۱۲۶۸۲۳۵۷ | @ Tirang.Studio | ۰۹۱۱۲۶۸۲۳۵۷
📧 tirang.advertising@gmail.com | M ۰۹۳۶۹۵۹۶۲۰۳



ادبیات کودک و نوجوان

گلشن

روزنامه

گلشن مهر شناسنامه گلستان است

چهارشنبه ۱۶ آذر ماه ۱۴۰۱ / سال بیست و چهارم / شماره ۸ / ۲۵۰۷ / صفحه ۲۵۰۰ تومان

یادداشت اول

روز

قانون اساسی

■ با مسولیت سردبیر

شنبه گذشته روز قانون اساسی بود. آشکار است که قانون و قانون اساسی و حکومتی مبتنی بر قانون از پدیده های دوران مدرن و از ضرورت های زندگی اجتماعی و مدنی است. انسانها هنگامی که خواستند موازینی را سامان دهند تا همگان در آن برابر باشند، قانون را وضع کردند تا به واسطه آن به صلح و ثبات دست یابند و به اجرای قانون تن دادند. اما مهمتر از نوشتن و تصویب قانون بر روی کاغذ، اراده ای برای اجرا و انجام بندهای آن است، زیرا فقدان قانون و یا عدم اجرای قانون به هرج و مرج و بهم ریختگی ساختار حکمرانی در عصر جدید منجر می شود و از سوی دیگر ازدحام قوانینی متعدد و تصویب قوانین مختلف نیز به بی نظمی منجر خواهد شد. بنابراین جامعه عاقل مدام در پی تصویب قوانین جدید نیست بلکه می کوشد با وضع قوانین حداقلی، زندگی بهتری را برای شهروندانش سامان دهد. امروز نیز بعد از نابسامانی های اخیر در میان نخبگان، توجه دوباره ای به قانون اساسی و گفت و گو درباره آن آغاز شده است اما به نظر می آید تا به اکنون که بیش از چهار دهه از تصویب این قانون اساسی می گذرد، هنوز بسیاری از صاحبان تریبون و سخنوران، قانون اساسی را بعنوان یک تواره منسجم نپذیرفته اند و مدام آن را به گونه ای که خود می خواهند تفسیر می کنند. ولی واقعیت آن است که انقلابیون ۵۷ بر اساس شواهد بی شمار در این قانون اساسی به دنبال استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی بودند و گمان می کردند چنانچه مدیران و کارگزاران بعدی براساس این قانون اساسی عمل کنند، جامعه ایران به آرامش و توسعه خواهد رسید و از چنبره استبداد و طاغوت، رهایی خواهد یافت و انسانها به شکوفایی در استعدادهای خداوندی خود خواهند رسید در حالی که می بینیم شوربختانه بخش های بنیادینی از حقوق ملت در این سالها به جهت ضعف بنیه های حکمرانی به محاق رفته است...

ادامه در صفحه ۲



خطر در کمین
بلوط هیرکانی
« ۸ »



۳۳۶ هکتار زمین برای
طرح ملی مسکن تأمین شد
« ۸ »



تصویب مشروط طرح
تله کابین کبودوال
« ۲ »

اسب صنعتی که فراموش شده است

■ نگاه به صنعت پرورش اسب در گلستان اقتصادی نیست

سمت حرفه ای شدن پیش می رود و از سوی دیگر دولت ها همیشه در حال گسترش فعالیت های مرتبط با اسب بوده اند ... ادامه در صفحه ۲

در آن سرمایه گذاری کرده اند و کم کم آن را به شکل اقتصادی در آورده اند و برای آن با تبلیغات و رسانه های جمعی بازار ایجاد کرده اند که این بازار به سرعت به

سردبیر - صنعت اسب در دنیا همیشه یکی از صنایع پول ساز با گردش مالی بالا بوده است، چون از یک سو افراد بسیاری به نگهداری و پرورش اسب علاقه مند بوده و

۱۱۷ امین مزایده فروش حق بهره برداری - آگهی شماره ۱۴۰۱/۱۷



شرکت سرمایه گذاری عمران و توسعه پایدار ایرانیان (سهامی خاص)

شرکت سرمایه گذاری عمران و توسعه پایدار ایرانیان در نظر دارد، حق بهره برداری ناشی از امتیاز جانشینی بانک اقتصاد نوین در شهرک صنعتی از شش دانگ یک قطعه زمین با متراژ عرصه ۲۱۲۹۹ مترمربع واقع در گنبد کاووس، کیلومتر ۲ جاده گنبد - اینچه برون، شهرک صنعتی گنبد کاووس را با مبلغ ۷۲,۴۱۶,۶۰۰,۰۰۰ ریال به متقاضیانی که صلاحیت آنها از سوی شرکت شهرک های صنعتی گلستان مورد تأیید قرار گیرد، با شرایط پرداخت نقد (۵۰٪ همزمان با قرارداد، ۵۰٪ حداکثر یک ماه بعد) واگذار نماید.

شرایط و نحوه شرکت در مزایده :

- مبلغ سپرده شرکت در مزایده معادل ۵٪ مبلغ پایه مزایده می باشد که می بایست توسط متقاضی به حساب مورد اشاره در برگ شرایط مزایده واریز و اصل رسید آن را تحویل نمایند.
- متقاضیان جهت کسب اطلاع و هماهنگی جهت بازدید و دریافت اسناد شرکت در مزایده میتوانند از تاریخ نشر آگهی در ساعات ۸ الی ۱۶ با شماره تلفن ۴۴۰۰۹۲۱۹ تماس و پیشنهاد خود را حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۱/۰۹/۲۳ به آدرس تهران، اتوبان حکیم (غرب به شرق)، خروجی بهنام، جنب متروی ستاری، پلاک ۱، دبیرخانه شرکت یا بانک اقتصاد نوین شعبه گنبد کاووس تحویل و رسید دریافت نمایند.

ENOTPI

WWW.PAIDARIRANIAN.IR

@ENOTPI

ادامه تیر اول



با تبلیغات و فروش و بازاریاب هایی که به صورت هدفمند و با برنامه، مردم را به سرمایه گذاری در این صنعت ترغیب و تشویق می کنند. در واقع اگر می خواستیم در زمینه پرورش اسب حرفی برای گفتن داشته باشیم باید اینگونه عمل می کردیم تا امروز انگشت حسرت به دندان نگیریم. با وجود ظرفیت های بسیار زیاد استان گلستان در زمینه پرورش اسب در صورت حمایت مسوولان، صنعت پرورش اسب در این استان می تواند به یکی از بخش های سرمایه گذاری با بازدهی مطلوب تبدیل شود.

است و بنابراین انتظار توسعه، ارتقا و پیشرفت هم انتظار بیجایی است. بی تحرکی و عدم پویایی در این صنعت روز به روز بیشتر خود را نشان می دهد. ما حتی می توانستیم در استان دانشگاهی برای پرورش، نگهداری و دیگر رشته های مربوط به اسب داشته باشیم و با نگاهی کاملا حرفه ای زمینه های رونق و گسترش آن را فراهم آوریم اما دریغ و هزاران دریغ. در آمریکا که غول صنعت پرورش اسب در دنیاست بزرگ ترین شبکه بازاریابی صنعت اسب وجود دارد، مجله های با موضوع اسب و خبرنامه ها و وب سایت های مرتبط

و از دو منظر سرگرمی و اشتغالزایی به آن توجه داشته اند. در بخش سرگرمی با ایجاد مسابقات و کمک به تولید و ایجاد رقابت بین تولیدکنندگان از اسب به عنوان یک ابزار ساده و کم هزینه برای سرگرم کردن شهروندان استفاده می شود و از دیدگاه دیگر، بخش اشتغالزایی، صنعت اسب یکی از صنایع بسیار اشتغالزا است. از تولید تا نگهداری و آموزش اسب برای مسابقات و خدمات وابسته و تولید لوازم سوارکاری که هنوز به صورت دستی تولید می شوند و فروش بالایی هم دارند. پرورش اسب در استان گلستان از دیرباز رواج داشته اما به هر دلیل نتوانسته از طریق پرورش اسب اشتغالزایی و رویای توسعه اقتصادی را محقق کند. عدم حمایت مسوولان، ممنوع بودن صادرات، بالا بودن هزینه های پرورش و نگهداری و واردات اسبهای خارجی موجب شده تعداد اسب های اصیل ایرانی کاهش یابد. صنعت پرورش اسب، یک صنعت اقتصادی و درآمدزاست. استان گلستان با وجود برخورداری از نژادهای اصیل داخلی و شرایط مطلوب آب و هوایی، نه تنها موفق به توسعه پرورش اسب نشده بلکه در سالهای اخیر چراغ این صنعت در استان رو به خاموشی است در حالی که می شد تنها با تکیه بر صنعت پرورش اسب در این استان به شکوفایی اقتصادی رسید. می توان بارونق این صنعت در زمینه ایجاد اشتغال بهره بسیار برد اما فریاد پرورش دهندگان این حیوان نجیب به جایی نرسید. نگاه به اسب در استان مانند صنایع دیگر هیچ گاه اقتصادی نبوده

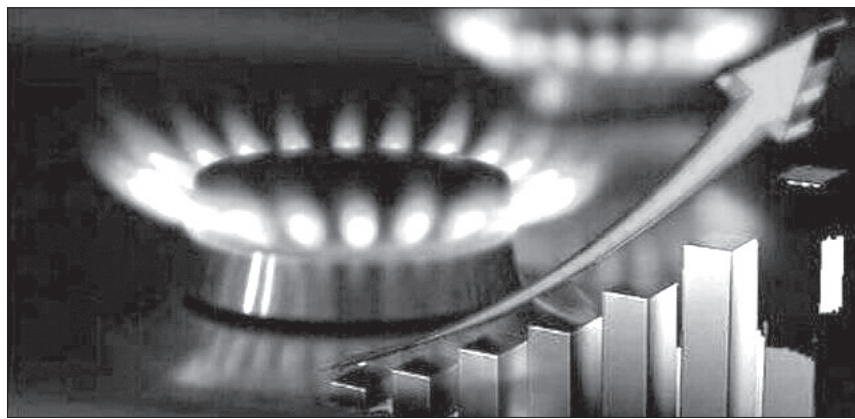
ادامه یادداشت اول

روز قانون اساسی

آموزش رایگان، حق اعتراض شهروندان، برابری همه لایه های حکومت در برابر قانون، آموزش زبان اقوام، انتخابات آزاد و بی واسطه، آزادی های مشروع شهروندان در فعالیتهای سیاسی و اجتماعی و ... از مهمترین اصولی است که قانون اساسی حاضر به آن تصریح کرده است اما به آن توجه نشده است. به عبارت دیگر قانون اساسی امروز بالاترین سند مکتوبی است که ایرانیان در چهار دهه پیش با خون خود آن را ضمانت کرده اند و محصول دهها هزار شهید و جانباز در این سالهاست. متنی است مقدس و قابل احترام و اجرای بدون تنازل آن، خواسته همیشگی و همواره همه شهروندان بوده است. بنابراین بهتر آن است بجای تعریف و تمجید شعاری از قانون اساسی و یا ادعای نگاهی نو به آن، مدیران و مسوولان با نگاهی علمی به همین قانون اساسی زمینه اجرای بدون تنازل و بدون تاویل و تفسیرهای نامتوازن از آن را فراهم آورند تا شرمنده شهروندان نباشیم.

رکورد مصرف گاز شکسته شد

گاز و پایداری جریان گاز برای مشتریان است. مدیرعامل شرکت گاز گلستان از مشتریان در خواست کرد: برای بهره مندی همه مشتریان، در مصرف گاز صرفه جویی کنند و حد مصرف تعیین شده برای خانوارها را با ایجاد دمای آسایش و استفاده حداقلی از مصرف گاز رعایت کنند. وی بیان کرد: مشتریان از وسایل گازسوز استاندارد با راندمان مناسب استفاده کنند و با رعایت مواردی مانند پوشیدن لباس زمستانی، استفاده از پرده ضخیم، بستن درز در و پنجره ها، در مصرف گاز صرفه جویی داشته باشند. طالبی افزود: در حال حاضر مشکل تأمین گاز در گلستان نداریم ولی این به معنای آن نیست که بیش از حدی که برای مشتریان تعیین شده، مصرف کنیم. مدیرعامل شرکت گاز گلستان ادامه داد: متأسفانه در ۲۴ ساعت گذشته مصرف گاز بسیاری از هم استانی های ما بیش از میزان تعیین شده بود که باید همه شهروندان الگوی مصرف را رعایت کنند و حداکثر صرفه جویی را در مصرف گاز داشته باشند.



کرد: به دلیل برودت هوا در ۲۴ ساعت گذشته، مصرف گاز مشتریان گلستانی از ۱۷ میلیون و ۶۰۰ هزار متر مکعب گاز گذشت و این یک زنگ خطر برای تأمین

مدیرعامل شرکت گاز گلستان گفت: رکورد مصرف گاز طبیعی گلستان در فصل پاییز با مصرف بیش از ۱۷ میلیون متر مکعب شکسته شد. به گزارش مهر، علی طالبی اظهار

مفقودی

برگ سبز خودروی پژو سواری
هاج بک، تیپ ۲۰۶ TU5 رنگ سفید
روغنی، مدل ۱۳۹۳ به شماره پلاک
ایران ۷۲-۳۲۸ ق ۱۲، شماره شاسی
NAAP13FE6EJ477638 و
شماره موتور ۱۶۳B۰۰۴۰۱۸۶ بنام
علی خواجوی فرزند محمد
مفقود گردیده و از درجه اعتبار
ساقط می باشد.

آگهی دعوت از سهامداران شرکت حمل و نقل مسافربری رخش گلستان (سهامی خاص)

به شماره ثبت ۴۲۷۲ و شناسه ملی ۱۰۷۰۰۱۲۹۶۴۷

بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت حمل و نقل مسافربری رخش گلستان (سهامی خاص) به شماره ثبت ۴۲۷۲ و شناسه ملی ۱۰۷۰۰۱۲۹۶۴۷ دعوت می شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده شرکت که در ساعت ۸ صبح مورخ ۱۴۰۱/۰۹/۲۷ در محل دفتر شرکت تشکیل می گردد، حضور بهم رسانند.

دستور جلسه: ۱- انتخاب اعضاء هیئت مدیره و مدیران شعب ۲- انتخاب بازرسین ۳- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار

هیئت مدیره شرکت حمل و نقل مسافربری رخش گلستان

گلشهر

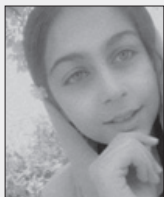
۰۱۷۳۳۲۵۱۳۱۶

۰۱۷۳۳۲۲۴۴۳۰۲



■ سوگند خبلی

من این حس را خوب می شناختم. تمام این مدت در دل من جا خوش کرده بود. در لحظه هایی که می توانستم شاد باشم و بخندم به سراغم می آمد و اما حالا... حالا که سال ها منتظر این لحظه بودم باز هم در قلب و فکرم نفوذ کرده بود. باید می رفتم. می رفتم و شعرهایم را در این مراسم می خواندم. اما این حسی که همه آن را اضطراب می نامند، انگار که خیال رفتن نداشت و در دلم رخت می شست و در فکرم نوای یاس و نا امیدي سر می داد. میان راه پله های سالن مدام این طرف و آن طرف می رفتم. بیشتر شبیه اسپندی روی آتش بودم. اسپند از آتش می سوخت و من از این مزاحم همیشگی که کم کم داشت اعتماد به نفس مرا هم در این شعله آب می کرد. به محض این که خانمی از اختلال سیستم خبر آورد و احتمال داد که شعرها را نخوانیم. این حس دلمش را روی کولش گذاشت و رفت. این بار اینگونه گذشت اما من هنوز هم در فکر هستم که کاری کنم تا او هرگز راهی به حس های من نداشته باشد. نامش هر چه که هست، باشد. استرس، اضطراب، نگرانی؛ برای من همیشه همان مزاحم همیشگی است. تا کم کم تمام حس های مرا زیر سلطه نظر خودش نگرفته است؛ باید به زودی و برای همیشه از او خلاص شوم.



■ سارا فغانی

پدر و مادر عزیزم! زندگی من مانند جاده ای است که هر گاه به مانعی برخورد می کنم، کنارم هستی و از من حمایت می کنی. هنگامی که زمین می خورم، کمک می کنی تا دوباره بلند شوم و به مسیر خود ادامه دهم. وقتی در پیچ و خم های این جاده طولانی خسته می شوم، به من روحیه می دهی و اگر احساس ناراحتی کنم، با من همراهی می کنی. خواستم، بگویم که این جاده با شما بسیار زیبا می شود. ممنونم که هستی و جاده زندگی ام را زیباتر کردی.

رو در بیاری؛ این جلسه گفتار دوم رو باید درس می دادم. روی تخته نوشت: گفتار دوم: رگ ها. دخترها دستگاه گردش خون یکی از دستگاه های بدنه که از رگهای خونی تشکیل شده وظیفه اش هم به گردش درآوردن خون برای تامین مواد غذایی، گازها و دفع مواد زائد رو توی بدن به عهده داره، وظیفه های دستگاه گردش خون رو یاد بگیریدی و زیرش رو خط بکشید. یکی از بچه های شیطان کلاس پرسید: خانم، رگها اسباب و اثاثیه هم جابه جا میکنن؟ خیلی مسخره بود. زیر لب گفت: من، تو یکی رو بتونم ادب کنم خیلی کار کردم بخدا. زنگ خورد. چرا آنقدر زود گذشته بود هنوز یک صفحه هم درس نداده بود. انگار زمان کوتاه شده بود مثل اینکه کسی قیچی دستش گرفته باشد و زمان را قیچی کرده باشد. کوتاه و بریده بریده. خسته نباشید دختر! جلسه بعدی ادامه گفتار دوم را درس میدم. حتما مرور کنید. در کلاس را پشت سرش بست. نفس عمیقی کشید اما پادش افتاد دفتر نمره را برنداشت. برگشت و از روی میز برداشت اما چرا امروز آنقدر یه جووری بود. حواسش سر جایش نبود. واقعا حوصله نداشت برود دفتر معلم ها و به حرفهای تکراری شان گوش کند. آنها همیشه از بی نظمی دانش آموزان و درس نخواندن ها می گفتند. او هم که حرفی برای زدن نداشت. دفتر نمره و کتابش را گذاشت توی فایل خودش و از اتاق بیرون رفت. رفت سمت شیر آبی که در آبدارخانه بود. قدیمی و همیشه خراب؛ آبی به صورتش زد تا کمی سر حال شود. بعید می دانست، او آنقدر کلافه و بی حوصله و خسته بود که با این چیزها رفع نمیشد؛ به یک استراحت طولانی نیاز داشت. فکر کرد زنگ آخر است اما یک زنگ دیگر با یازدهمی ها هم داشت اما دیگر سردردش بیشتر شده بود و درد چشم هایش هم اضافه شده بودند. به همیار درس زیست یازدهمی ها گفت که چه کار کند و خودش هم اضافه کرد که لطفا کلاسو نذارید رو سرتون تا حالا که کم دست گل آب نداید! به دفتر مدیریت اطلاع داد و پالتویش را از روی آویز برداشت. بیرون باران می بارید و هوا سرد بود و باد سردی هم می وزید. حتی حوصله رانندگی هم نداشت اما چاره ای نداشت. ماشین را روشن کرد و حرکت کرد سمت خانه.



■ کوثر سادات کاظمی

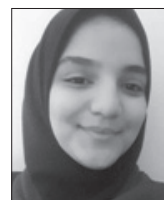
کفش هایش را درآورد، آنها را کنار ساحل گذاشت. بادی که از سمت دریا می وزید پیراهنش را تکان می داد. پاهایش را روی شنهای گرم ساحل گذاشت در آن عصر گرم تابستانی به غروب زیبای آفتاب در افق خیره شد. موهایش را پایین سرش بست و شالش را روی سرش جا به جا کرد. با صدای زنگ به خودش آمد. زنگ تفریح بچه ها تمام شده بود و حالا باید مثل همیشه دفتر نمره اش را بر می داشت و می رفت سر کلاس. نگاهی به لیوان چایش انداخت که هنوز از آن بخار بلند می شد. انگار تازه آن را ریخته باشی. تمام معلم ها سر کلاس هایشان رفته بودند. اینطور که به نظر می آمد مدت تقریباً زیادی از زنگ گذشته. رفت جلوی آینه انتهای سالن تا سر و وضعش را مرتب کند. کش مویش شل شده بود و بافت موهایش هم به هم ریخته بود. کش مویش را سفت کرد و موهای جلوی سرش را مرتب کرد. نفس عمیقی کشید و رفت سمت کلاس. دهم تجربی، کد ۰۲ سلام بچه ها! چطورین؟ سعی کرد پرنرزی باشد اما زیاد موفق نبود. یکی لم داده بود روی صندلی، یکی نصفه و نیمه بلند شده بود و هر کسی در وضعیتی متفاوت بود. البته این ها چیز جدیدی نبودند. دفتر نمره اش را باز کرد و بدون این که اسم ها را بخواند رو به رویشان تیک زد اما برایش عجیب بود که امروز غایب نداشتند چون همیشه این کلاس یک غایب رو حتما داشت و کم پیش می آمد که همه حاضر باشند. سرش خیلی درد می کرد خیلی زیاد، حوصله خودش را هم نداشت. دخترا امروز برخلاف جلسات دیگه، پرسش نداریم چون شدیداً سرم درد می کنه. کتاب زیستتون



■ نازنین غیاث

چون دلتنگی باعث شده بود اشتهايم را از دست بدهم. مانتو مشکی ام را پوشیدم و یک کاغذ رنگی برداشتم و به حیاط رفتم. چند شاخه از همان رزه های محبوبش را چیدم و کاغذ را دورشان پیچیدم و به سمت بهشت زهرا راه افتادم. گل را روی قبرش گذاشتم و به عکس روی قبر خیره شدم. این قاب برادرم بود که در اوج جوانی، روزگار نامردی کرد و او را از ما گرفت. به خود که آمدم، دریافتم یک ساعتی هست که با خودم و برادرم خلوت کرده ام. خیلی احساس سبکی می کردم و از دلتنگی ام کاسته شده بود.

دلم می خواهد در این کوهستان قدم بزنم. در این کوهستان که فقط دو رنگ وجود دارد. می خواهم در کیف خود مداد رنگی بگذارم تا این کوهستان پر از غم و اندوه را تبدیل به کوهستانی زیبا کنم. دلم می خواهد تنفس هایم را در یک جای سبز و آرامش را در درس معرفت کردگار بیاموزم. من کوهستان و قدم زدن در دل کوهستانی که از لابه لای سنگ هایش آب می جوشد را دوست دارم.



■ مریم ابراهیمی

ماه را نشانت دادم

گفتی: می خواهی اش؟

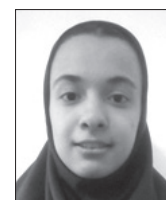
گفتم: آری

گفتی: بیا بروم تا هدیه ات دهم

گفتم: توانی؟

گفتی: آری

ترسی در دل داشتم. آخر دور شدن از کلبه مان و راه افتادن در این جاده مخوف، ترسناک است. اما دستانت را دیدم که دستانت را در آغوش گرفت و لرزش دستانت را به مرگ کشانید و در نهایت، جاده را پیچ و خمی زیبا دیدم. دانه دانه درختان قد علم کرده را گذرانیدیم و تک تک شان را شمردم. برابر سن عاشقیمان بودند. حال جور دیگری به آن خاطره نگاه میکنم. عبور از جاده ای که روشنی ماه، سنگلاخ های راه را هم نشان می دهد.



■ پرستو علاءالدین

با نور آفتاب از خواب بیدار شدم. دو ماه از رفتنش می گذشت. دو ماه می شد که دیگر او را نداشتیم. دیگر نبود که با هم بحث کنیم، خانه را به هم بریزیم، به رزه های سرخ باغ رسیدگی کنیم. یادآوری گل رزه ها، به طرف پنجره رفتم و آن را باز کردم. نگاهم را به دو بوته رز سرخ سوق دادم. بوته ای من شاداب بود اما بوته رز مهرداد برادرم، نه! حتی گل ها هم از غم نبودش پژمرده شده بودند. به یاد دارم یکبار که دختر خاله ام بوته من را شکسته بود، فردایش مهرداد یک بوته جدید خرید و با هم آن را کاشتیم. دلم خیلی برای محبت های برادرانه اش تنگ شده بود. تصمیم گرفتم به مزارش بروم تا شاید کمی از دلتنگی ام کاسته شود. صبحانه نخوردم،



■ فاطمه ریوازی

در پیچ و خم جاده ها گم شده بودم. من گم شدم در دنیایی که پر از رد پاهای گوناگون است. غرق جاده ها و خیابان ها بودم. تا به خودم آمدم ساعت ها گذشت و من هنوز هم سوال های زیادی در ذهن داشتم که هنوز پاسخی ندارد. جاده آخر، پیچ و خم زیادی داشت و من این جاده را به زندگی تشبیه کرده بودم، چون زندگی هم پیچ و خم زیادی دارد و برنده کسی است که بتواند با همه سختی ها بسازد و آینده را شیرین تر و روشن تر ببیند. من تصمیم گرفته ام از امروز قوی تر ادامه دهم تا برنده آینده ی خود باشم.



■ سحر حسن زاده نوری

گذر کردم و باز تازه شد داغ دل چه کنم من با این همه دلتنگی؟ کاشکی مرا هم با خود می بردی! کاشکی می دانستم این آخرین باری هست که خنده های تو را می بینم و باز هم تنفر دارم از این راه پر پیچ و خم که مرا از تو، تو را از من جدا کرد.

یادداشت



تا کنون به انجمن اضطراب فکر کرده اید؟! مثلاً در دبیرستان یا دبستان، انجمنی وجود داشته باشد با عنوان «انجمن اضطراب». شاید کمی شگفت انگیز به نظر برسد. در مدرسه واحد ریاضی، زبان، ادبیات، ورزش و ... داریم. اما واحد اضطراب، خیر! مساله ای که کم و بیش همه روزه با آن مواجهیم. جدای مسائل خانوادگی در موارد خاص، بیشترین اضطراب دانش آموزان در محیط مدرسه و فضای آموزشی، به ویژه در جلسات پرسش و پاسخ شفاهی و آزمون های کتبی بروز می یابد. از رنگ پریدگی و بی حالی و کم اشتهایی تا پریشانی و سرخ شدن، تعریق، تغییر ضربان قلب، احساس خطر، تنش، لرزیدن و فراموش کردن تمام خواننده ها، نشانه های اضطراب است. اضطراب چیست؟ به گفته پژوهشگران: «اضطراب، نگرانی شدید، بیش از حد و مداوم و ترس از موقعیت های روزمره است». حالا به تشکیل «انجمن اضطراب» در مدرسه فکر کنید و نظر خود را با ما در میان بگذارید! چه افرادی باید در آن عضو باشند؟ چه برنامه ها و اهدافی را برای آن پیشنهاد می دهید؟ منتظر متن های شما هستیم.



سعدی بخوانیم



■ آزاده حسینی

زبان، کلید دری است که در آن سویس گنج صاحب هنر پنهان است. تا زمانی که در بسته باشد و صاحب زبان دهان باز نکند و حرفی نزند، کسی متوجه نمی شود که که گنجی در نهان است یا خرده چیزی؛ و بعد از اینکه سخن فردی را بشنویم، تازه متوجه می شویم که گوهر فروش و حرف هایش مانند گوهر ارزشمند و قیمتی است و یا پبله ور، یعنی دست فروش دوره گرد است. سعدی می گوید:

زبان در دهان ای خردمند چیست
کلید در گنج صاحب هنر

چو در بسته باشد چه داند کسی
که جوهر فروش است یا پبله ور

در ادامه همین شعر از کتاب گلستان سعدی، نظر سعدی را در مورد «سکوت» می خوانیم. آیا سکوت نشانه ادب است؟ شما اگر در جمعی که همه از لحاظ سنی و تحصیلی از شما بزرگ تر و بالاتر هستند؛ متوجه چیزی شوید، به احترام دیگران سکوت می کنید و یا حرف را به زبان می آورید؟ از دیدگاه سعدی با اینکه سکوت نزد خردمندان نشانه ادب است، ولی اگر صلاح باشد بهتر است که بیان شود:

اگر چه پیش خردمند خامشی ادب است
به وقت مصلحت آن به که در سخن کوشی

و دو چیز را «طیره عقل» یعنی خفت، سبکی عقل و مایه شرمندگی و خجالت می داند:

دو چیز طیره ی عقل است: دم فروستن
به وقت گفتن و گفتن به وقت خاموشی

روزی نیست و نبود که مرا تنها بگذارد، حتی مواقعی که در جمع دوستان نشسته ام و غرق در خنده و شادی هستم، یکهو می آید، ناگهان دست خود را روی شانه ام می گذارد و می گوید: بس است دیگر، زیاد خندیده ای امروز! چند روز پیش که صحبت می کردم باهاش، بهش گفتم: اینطوری نیا، یهو تو شادی نیا سراغم، نیا خراب نکن حالمو، مگه شبا بس نیست؟ که میای و نمیداری که بخوابم؟ میای و حالم رو بد می کنی؟ هر شب واسه اینکه نیای، باید سه تا قرص بخورم، اصلاً از کجا یکهو بیدار شد؟ ولی مگر جوابی می دهد به من؟ نه! مثل همیشه به کارش ادامه می دهد. بیشتر اوقات به خیلی آمده‌ها به خاطر نداشتن اضطراب زیاد و فکر کردن بیش از حد حسادت می کنم، زندگی شان راحت تر است، اگر همیشه خوشحال نباشند، حداقل ۱۰ دقیقه در روز را خوشحال هستند. هر کاری که می خواهند انجام دهند صدایی در گوشش نمی گوید: مثلاً الان کتاب بخوانی که چی؟! مثلاً الان با مامان بری بیرون که چی؟! پاشو برو تو تخت و دراز بکش و آهنگتو گوش بده منم میاد کنارت و آنقدر در ذهنشان این صداها مرور نمی شود که آنها آن کار را انجام دهند، فقط برای آنکه صدا قطع شود. راستش، نمی خواهم او را، هر چه به او می گویم اهمیتی نمی دهد، حتی به غرورش بر هم نمی خورد که بگذارد و برود. آن دفعه گفته بود: من هستم و می مانم، آنقدر خواهم ماند که تو هم شبیه به من تنها یک صدا شوی!



■ رoksana سادات حسینی

طوری در همه ی لحظه های زندگی همراه و همیار من بوده است، که دیگر می توانم او را دوست صمیمی خود بدانم. اضطراب را می گویم. هنگامی که ناراحتم، عصبیم، یا حتی خوشحال هستم به سراغم می آید و راستش را بخواهید مرا تنها نمی گذارد. چند سالی هست که همیشه با من است. همیشه خودش که می آید هیچ، بقیه را نیز همراه خود می آورد. تپش قلب و پنیک های عصبی و معده درد را می گویم. خیلی از لحظات زندگی ام دلم می خواست آزاد و رها باشم، اما مگر رفیق صمیمی ام می گذاشت؟!



خطر در کمین بلوط هیرکانی

درخت بلوط در همه عرصه‌های جنگلی استان یافت شده اما در شرق استان به دلیل خشکی، تیپ غالب عرصه‌ها بلوط است



اعظم محبی: برداشت بذر بلوط از جنگل های هیرکانی، تهدید جدی فراروی این رویشگاه بوده که بی توجهی به آن تکثیر طبیعی بلوطها را به مخاطره انداخته و غذای برخی زیستمدان مانند سنجاب ها را کاهش می دهد. گلستان از موهوب پرشماری مانند مرتع، دریا، کوهستان و جنگل برخوردار است که هر یک به فراخور ماهیت طبیعی، آثار و ثمرات پرشماری را برای این استان در پی دارد. حدود نیم میلیون هکتار جنگل پهن برگ و سوزنی برگ در گلستان علاوه بر مزایایی همچون تثبیت خاک، جلوگیری از سیلاب و فرسایش خاک، تلطف هوا و غیره محاسن بسیار دیگری هم دارد که از آن جمله می توان به استفاده از میوهها و محصولات جنگلی اشاره کرد. اما در سالیان اخیر به دلایل مختلف، شاهد هجوم به منابع جنگلی از جمله چلم، خز، خاک، پامچال و میوهها مانند تمشک، آلو، کندس، ولیک و غیره هستیم که این محصولات برای استمرار چرخه اکوسیستم نیاز بوده و باید در عرصه جنگلی باقی بماند. یکی از منابعی که مورد دست اندازی و غارت قرار گرفته بذر بلوط است که توسط سودجویان به صورت غیرقانونی از سطح جنگل و روی درختان جمع آوری و به فروش می رسد.

فصل بهار جوانه می زند و شروع به رشد می کند. شاهینی با اشاره به دست اندازی های اخیر به این میوه جنگلی، بیان کرد: جمع آوری و خروج بذر بلوط سبب ابر ماندن رویه تکثیر طبیعی این درخت شده و خطر جدی برای حیات بلوطها به دنبال دارد. این کارشناس جنگلداری با اشاره به خواص دارویی و درمانی بلوط، گفت: میوه بلوط سرشار از ماده تاتن است که از این میوه در برخی کشورها و مناطق

اشیای زینتی و یا در گل فروشیها عرضه می شود. طبق گفته کارشناسان، بذر بلوط و یا سایر میوههای جنگلی نقش محوری در هرم غذایی جانورانی مانند گراز، شوکا، خرس، سنجاب و راسو دارد و استمرار دست اندازی به این محصولات جنگلی علاوه بر تخریب رویشگاهی جنگل، زیست بوم و زیستگاههای حیات وحش را از بین می برد. هرچند قربانان و جنگلبانان گلستان در عرصه‌های طبیعی نظارت

عمر گونه‌های مختلف درخت بلوط تا ۸۰۰ سال هم می رسد و این موضوع سبب می شود که کاشت این درخت در گسترش پوشش گیاهی رویشگاههای محیط زیست نقش مهمی ایفا کند

برای درمان ورم معده و تقویت مخاط آن استفاده می شود.

لازم را بر این مسأله دارند اما با توجه به گسترده‌گی مناطق تحت مدیریت و کمبود امکانات، امکان پایش مناطق نیست.

بذر باید در عرصه جنگلی باقی بماند
مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری گلستان هم در این خصوص گفت: بذر درختان جنگلی برای تجدید حیات آنها لازم است و جنگلهایی که بذرریزی دارند باید آن بذر در حریم درختان باقی مانده و رشد و نمو داشته باشد. حمیدسلامتی افزود: زمانی که مردم میوه بلوط را جمع آوری می کنند تراکم در واحد هکتار پایین آمده و آینده آن نوع گیاه برای تجدید حیات به مخاطره می افتد. وی توضیح داد: فزونی بذرها در همه سالها یکسان نیست و طبیعی است که برخی از سالها کمتر از سالهای دیگر بذر توسط درختان تولید شود لذا تراکم بذر دلیل بر خارج کردن آن از عرصه‌های جنگلی نیست و باید بلوط پای درختان و حریم جنگل باقی بماند و به زادآوری در سالهای بعد کمک کند. سلامتی ادامه داد:

تخریب رویشگاههای جنگلی
یک کارشناس جنگلداری در این خصوص گفت: درخت بلوط از گیاهان گلدار دولپه‌ای به شمار می رود که نسبت به آفات و همچنین بیماریها مقاوم است و آفات و بیماری جدی این گیاه را تهدید نمی کند. مرادشاهی افزود: عمر گونه‌های مختلف درخت بلوط تا ۸۰۰ سال هم می رسد و این موضوع سبب می شود که کاشت این درخت در گسترش پوشش گیاهی رویشگاههای محیط زیست نقش مهمی ایفا کند. وی ادامه داد: بسیاری از میوه‌های درخت بلوط را سنجابها برای ذخیره‌سازی فصل زمستان برداشت و برای آذوقه در دل زمین دفن می کنند که بیش از ۸۰ درصد آن را فراموش می کنند در نتیجه این میوه پس از گذشت مدتی در

در سالهای اخیر به دلایلی همچون گران شدن علوفه و نهاده‌های دامی، هجوم به جنگلها برای برداشت این بذرها و استفاده دام مخصوصا در نواحی شرقی استان افزایش یافته و این امر، کار را بر ما سخت کرده است. وی اضافه کرد: درخت بلوط در همه عرصه‌های جنگلی استان یافت شده اما در شرق استان به دلیل خشکی، تیپ غالب عرصه‌ها بلوط است.

فروش میوه بلوط گلستان به استان مجاور
سلامتی با اشاره به برداشت بی رویه میوه بلوط از جنگل توسط برخی سودجویان، گفت: مشاهده شده که بلوط جمع آوری شده به قیمت کیلویی چهار الی پنج هزار تومان به مردم استان و حتی استانهای مجاور هم فروخته می شود. مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری گلستان افزود: در روزهای گذشته یک محموله دو هزار و ۱۰۰ کیلوگرمی بذر بلوط قاچاق در محدوده گالیکش کشف و ضبط و همچنین یک فقره قاچاق ۵۰۰ کیلوگرمی توسط مأموران منابع طبیعی در رامیان کشف شد. طبق گفته وی در سایر شهرها از جمله علی آبادکتول، آزادشهر و مینودشت هم محموله‌های کوچکتر کشف شده که به عرصه‌های جنگلی برگردانده شده است. سلامتی تأکید کرد: بذر درختان جنگلی و سهم حیوانات و اکوسیستم بوده و خروج آنها به این چرخه زیستی آسیب می زند. وی با بیان اینکه در صورت کشف این محموله‌ها به عنوان بار قاچاق با متخلفان برخورد می کنیم، گفت: ۳۰۰ نیروی جنگلبان و قرقبان در عرصه‌ها و منابع طبیعی، کار رصد و پایش را انجام داده و از تخلفاتی همچون قطع درختان، قاچاق چلم، قارچ و خاک و غیره جلوگیری می کنند. سلامتی با بیان اینکه بلوط وارسته های مختلفی دارد و در شرق استان نوع غالب بلندمازوست، تصریح کرد: بذرهای ضبط شده علی رغم احتمال افت در جوانه زنی به طبیعت برگردانده می شود. رویشگاههای جنگلی گلستان علاوه بر تهدیداتی مانند تخریب رویشگاهها و تغییر کاربری، قاچاق چوب و تولید زغال، چرای غیرمجاز دام و برداشت مصالح رودخانه با دستبرد به بذر درختانی از جمله بلوط روبرو بوده که باید با حراست بیشتر از این منابع، این امانت الهی را به دست نسل های آتی برسانیم؛ هرگونه سهل انگاری و تساهل در برخورد با سودجویان، حیات جنگل های هیرکانی به عنوان میراث جهانی گلستان را به مخاطره خواهند انداخت.



۳۳۶ هکتار زمین برای طرح ملی مسکن تأمین شد



معاون مسکن و ساختمان راه و شهرسازی گلستان گفت: تاکنون ۳۳۶ هکتار زمین در گلستان برای اجرای طرح نهضت ملی مسکن تأمین شده که از این مقدار ۲۷۴ هکتار متعلق به سازمان ملی زمین و مسکن است. به گزارش مهر، اسدالله پناه یزدان اظهار کرد: تاکنون عملیات اجرایی دو هزار و ۸۷۰ واحد مسکونی در قالب نهضت ملی مسکن در نقاط مختلف گلستان آغاز شده است. معاون مسکن و ساختمان اداره کل راه و شهرسازی گلستان افزود: از دلایل مهم علل عدم پیشرفت طرح نهضت ملی مسکن در گلستان کمبود زمین بود که این چالش برطرف شده است. وی ادامه داد: ۹۲ هزار و ۷۰۰ متقاضی گلستانی در این طرح ثبت نام کرده که ۹۷ درصد متقاضیان نهضت ملی مسکن در استان پالایش شده اند. وی ادامه داد: سه هزار و ۵۷۰ نفر از متقاضیان نسبت به واریز وجه اولیه اقدام کرده اند. پناه یزدان افزود: در جلسه شورای مسکن گلستان، الحاق واحدهای متوقف شده و فاقد متقاضی مسکن مهر به طرح نهضت ملی مسکن مصوب شد. معاون مسکن و ساختمان اداره کل راه و شهرسازی گلستان در خصوص افزایش قیمت مسکن و پایین آمدن قدرت خرید مردم اظهار کرد: طراحی واحدهای نهضت ملی مسکن بر اساس مترها متفاوت است و افراد با آورده‌های بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ میلیون تومان می توانند نسبت به خرید این واحدها اقدام کنند.



جاده‌های گلستان باز و ترافیک روان است

مدیرکل راهداری و حمل و نقل جاده ای گلستان گفت: با وجود ریزش برف و باران به ویژه در ارتفاعات و مناطق برفگیر و کوهستانی گلستان، اما جاده ها باز بوده و تردد روان برقرار است. به گزارش مهر، عادل مصدقی اظهار کرد: بارش برف از شب گذشته در محورهای خوش ییلاق، سرعلی آباد، جنگل گلستان، توسکستان، درازنو، دوزین، افراخته شروع شده و همچنان ادامه دارد. وی از مردم خواست که از سفرهای غیرضروری به ویژه در مناطق کوهستانی خودداری کرده و در صورت سفر به تجهیزات ایمنی و زمستانی بخصوص زنجیر چرخ مجهز باشند. مصدقی همچنین افزود: ۱۰ اکیپ با ۱۰۰ ناوگان راهداری در راه ها مستقر بوده و تلفن گویا و تلفن ثابت مرکز مدیریت راه ها هم آماده ارائه خدمات شبانه روزی به کاربران جاده ای است.